

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان  
برگردان از: سیلویا بیژنیان - Sylvia Bejanian  
۰۲ جولای ۲۰۱۸

## جارد کوشنر و "حق خوشبختی" برای فلسطینی ها

ما به غلط تصور کردیم طرح ایالات متحده برای خاور میانه، پروژه صلحی است برای فلسطینی ها . با وجود گزارشات کاخ سفید، این خواسته ای نیست که پرزیدنت ترمپ به دنبال آن می گردد . مسأله صلح را او خلاف رؤسای جمهور پیشین ، از زاویه ای دیگر می نگرد : او مانند امپراتور ها ، نمی خواهد عدالت را میان زیر دستان خود ترویج بدهد ، بلکه خواهان وضعیتی است که می تواند زندگی روزمره انسان ها را بهبود بخشد .

ولتر شبکه / دمشق (سوریه) / ۲۶ جون ۲۰۱۸



زمانی که پدر جارد کوشنر به اتهام تخلف مالیاتی به زندان افتاد ، او تجارت خانوادگی را به رغم نظر نامساعد طبقه حاکم نسبت به خانواده اش ، اداره کرد . او توانست خود را با موقعیت روز تطابق دهد و از خود تصویر پسری مطیع نسبت به عملکرد کدهای پیوریتن جامعه عرضه دارد . او تنها مرد قابل اعتماد پدر زنش ، دونالد ترمپ ، واقع شد و به دنبال او به کاخ سفید آمد . او از آن پس به طور مخفیانه برای پدر زنش فعالیت می کند ، بدون آن که هیچ حسابی به وزارت امور خارجه پس بدهد .

مناقشه اعراب و اسرائیل ، که بخش مؤخر سلطه استعماری اروپا بوده ، برای جلوگیری از اتحاد اعراب به وجود آمده . در این بخش موضوع تحکیم بخشیدن به قدرت غرب در خاور میانه نمی باشد ، بلکه از ایجاد وحدت اعراب می بایستی جلوگیری شود . منطقی با اهداف امپریالیستی که پشت سر ایالات متحده قرار می گرفت .

با افول قدرت های غربی که از قرن ها پیش بر جهان سلطه داشتند ، کنار گذاشته می شود و آسیا که تمدن های دیگری در بطن خود دارد ، به صورت مرکز جهان درآمده . در نتیجه فشار بر اعراب ، در حال کاستن است . در همین چهار چوب ، پرزیدنت ترمپ به نظریه سبرووسیکی - که خواهان نابودی ساخت های اجتماعی و دولتهای منطقه است - پایان داده و می کوشد تا مناقشه میان اعراب و اسرائیل را آرام کند .

اکیپ شخصی دونالد ترمپ برای معاهدات بین المللی - شامل کارگزاران او : جارد کوشنر (داماد) و جازون گرینبالت (معاون گذشته او در سازمان ترمپ) می باشند. آنها مسأله فلسطین را از نقطه نظر ژئوپولیتیک بررسی می کنند . از آنجائی که آنها هیچ گونه تجربه سیاسی ندارند ، نمی خواهند راه حلی برای رضایتمندی کلیه طرف های درگیر پیدا کنند، بلکه می خواهند فشار را از روی جمعیت ساکن بر دارند ، تا آنها نیز مطابق با اساس نامه دولت ایالات متحده ، حقی برای خوشبختی داشته باشند . این هدف بزرگی برای دونالد ترمپ می باشد ، که قصد انحلال امپریالیزم ایالات متحده را دارد ، و می خواهد آن را با منطق رقابت های تجاری جایگزین نماید .

هر چند برای کوشنر و گرینبالت ، که دو یهودی سنتی هستند ، درک اسرائیلی ها ، راحت تر از درک اعراب می باشد ، اما جایگاه آنها ، طوری است که این موضوع را بی اهمیت می کند. با وجود گفته های آنها ، هدف برقراری صلح نمی باشد، اما حل و فصل وضعیت مد نظر است . آنها از یهودی بودن خود به صورت ابزاری استفاده می کنند، به این صورت کنکاش در مسأله مسؤولیت ها به کنار گذاشته می شود؛ چرا که آنها به دنبال برقراری صلح درست و دائمی نمی باشند .

"روش ترمپ"، که آنها از سال های گذشته با آن آشنا شده اند در این چند مورد خلاصه می شود :

\* اول- در نظر گرفتن واقعیت ها ، با وجود آن که می تواند لحن مشاجرات رسمی را کنار بگذارد

دوم - در نظر گرفتن منافی که می تواند از قرار داد های دوطرفه کسب شود.

سوم - باید بتواند تا حد ممکن، از حقوق چند جانبه بر خوردار باشد .

دو فرستاده پرزیدنت ترمپ ، از این که در برابر همه مسأله ای را عنوان و اعلام کنند ، به سفر خود به منطقه ادامه می دهند و برنامه خود را برای کسی آشکار نمی سازند . با این وجود مخاطبین آنها ، پر حرف تر می باشند . و این دو نفر تنها ذره ذره طرح خود را آشکار می سازند .

در واقع کوشنر و گرینبالت ، در حال احیای طرح اولیه پرنس عبدالله هستند (۲۰۰۲) . [۱] . در آن زمان پادشاه آینده عربستان سعودی توانسته بود نقطه نظر اعراب را کامل تر کند ، و تنها بر قرار داد اوسلو (۱۹۹۱) تکیه نداشته باشد ، بلکه به معاهده ۱۹۴ سال ۱۹۴۸ [۲] ، همچنین به ماده ۲۴۲ سال ۱۹۶۷ شورای عمومی [۳] ، همچنین ماده ۳۳۸ سال ۱۹۷۳ [۴] شورای امنیت ملل متحد. باز گردد . پایه اصلی تفکر او "زمین در برابر صلح" می باشد : اعراب در گذشته حاضر بودند تا دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسند و در صلح و آرامش در کنار آنها زندگی کنند ، اما به شرط آن که اسرائیل به مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ باز گردد . آریل شارون ، نخست وزیر وقت اسرائیل این طرح را نپذیرفت : آریل شارون از سال ۱۹۴۸ به صورت فرمانده یک واحد تروریستی که اعراب را به قتل می رسانید و بازماندگان آنها را وادار به گریز از منطقه می نمود ( نکبت ) ، فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد . او تفکر استعماری را شکل داد و قصد داشت تا بلند پروازی های خود را با تصرف زمین های واقع میان رود نیل و فرات ، تحقق بخشد .

کوشنر و گرینبالت ، از اصل تفکر پرنس عبدالله استفاده کردند ، اما با مشاهده دست اندازی های روزمره اسرائیل بر زمین های فلسطینی ، با بخشیدن بخش بزرگی از این زمین ها ، می خواهند جلوی این فرایند را بگیرند . امروزه ، یک سوم جمعیت اسرائیل ، سرنوشت خود را با اشاره به نژاد پرستی تلمود در نظر می گیرند . اکثریت جمعیت یهودی منطقه ، در اسرائیل به دنیا آمده و هیچ رابطه ای با گرایشات و هم انگیز گذشته ندارد . آنها آدم های معمولی هستند که آرزو می کنند در صلح و آرامش زندگی کنند . آنها خواهان ایجاد تعاون میان جمعیت خود می باشند و خود را مسؤول جنایت های گذشتگان خود نمی پندارند . نتیجه آن که به احتمال قوی حاضر خواهند بود به مرزهای ۱۹۶۷ عقب نشینی کنند .

از آنجائی که که از میان اعراب ، بازمانده ای از دوران نکبت وجود ندارد ، حقوق بین الملل به جای آنها این پاک سازی قومی را محکوم می سازد و اسرائیل را وادار به باز شناختن حقوق قربانیان و فرزندان آنها می نماید ، تا آنها بتوانند به سرزمین های اجدادی خود باز گردند . اما اعراب فلسطینی در جنگ میان اسرائیل و اعراب در سال ۱۹۴۸ شکست خوردند . از این رو می توانند تنها طلب خسارت جنگی کنند ، اما نمی توانند مدعی باز پس گیری ملک های غیر منقول اجداد خود باشند ، چرا که این ملک ها رها شده و نابود شده اند . اشاره به این نقطه آخر، در طرح صلح پرنس عبدالله آمده است ، اما همواره با نظر عموم اعراب پذیرفته نشده است .

از سوی دیگر ، امروزه تعداد اعراب فلسطینی ساکن در اردن به اندازه ساکنان کرانه باختری رود اردن و نوار غزه و اورشلیم شرقی می باشد . با بازگشت به نقطه نظر کهن اعراب و بریتانیا ، پیشنهاد کوشنر و گرینبالت آن است که چهار سرزمین را به صورت یک دولت واحد در بیاورند . منطقه اردن جدید ، می تواند پیوسته به سرزمین سلطنتی هاشمیان و توسط پادشاه عبدالله دوم اداره شود ، همچنین در کنار او نخست وزیری فلسطینی قرار بگیرد . کوشنر و گرینبالت تصور کردند که با واگذاری منطقه مستقل کرانه باختری رود اردن به سرزمین سلطنتی اردن ، خواهند توانست محمود عباس ( ۸۳ ساله ) را به کناره گیری تشویق نمایند ؛ به این خاطر است که محمود عباس آنها را به جهنم فرستاده و نمی خواهد با آنها ملاقات کند .

تا سال ۱۹۶۷ ، کشور اردن شامل کرانه باختری رود اردن و اورشلیم شرقی بوده است ، اکیپ ترمپ می خواهد نوار غزه را به آن اضافه کند . این نکته آخر در حالت تعلیق قرار دارد . فرضیه دومی نیز هست که با وضعیت فعلی به همین حالت باقی بماند اما نوار غزه به صورت منطقه خود مختار در آید . در این صورت این بخش به کشور مصر ملحق خواهد شد . منطقه تجارت آزاد با بخشی از صحرای سینا به وجود خواهد آمد تا به رشد اقتصادی کمک کند . کشور های خلیج ، به خصوص عربستان سعودی ، حاضر شده اند تا هزینه ایجاد شبکه استفاده مجدد از آب های مصرف شده ، و همچنین نیروگاه برق خورشیدی و یک بندر و فرودگاه را تقبل کنند .

در این بخش ، مسائل پیچیده می شوند . پس از امضای صلح نامه با اسرائیل ، کشور مصر روابط خوبی با ساکنان نوار غزه ندارد . مصری ها پیوسته منطقه غزه را محاصره می کنند . چند سال پیش ، وزیر امور خارجه مصر ، احمد ابو قایت ( رئیس فعلی اتحادیه اعراب ) مرز را بر فلسطینی ها بست و به ساکنین این منطقه هشدار داد که چنانچه قصد فرار از این زندان رو باز داشته باشند (پاهای آنها را خرد کند) .

ساکنان تاریخی اردن ، که از طوایف بادیه نشین می باشند ، تنها ۲۰٪ جمعیت اردن را تشکیل می دهند ، و در میان انبوه جمعیت پناهندگان فلسطینی غرق شده اند . تعداد آنها پس از ادغام با این جمعیت به ۱۰٪ خواهد رسید . آنها با به رسمیت شناختن پناهندگان سوری که از طوایف بادیه نشین هستند ، شاید بتوانند فرهنگ خود را حفظ کنند . پادشاهی هاشمی تنها با رویای پایه گذار این سلسله- شریف حسین - به وجود آمده ، که در پی ایجاد اتحاد میان اعراب بوده است

(قیام بزرگ اعراب در سال ۱۹۱۵). چنانچه فلسطینیان این ادغام را به صورت شکست در برابر اسرائیل تصور کنند ، قیامی نظیر سال ۱۹۷۰ (سپتامبر سیاه) می تواند اتفاق بیفتد و پادشاهی هاشمی در پی آن نابود شود . تمام این معادلات به جهت سنجش امکانات تحقق این پروژه می باشد و این که اطمینان حاصل شود سایر نیروهای منطقه این طرح را با شکست مواجه نمی کنند . چرا که در ابتداء مناقشه منطقه ئی ، به صورت جنگ اسرائیل به تمام این منطقه کشیده شد ؛ نه تنها با اعراب ، حتا با ترک ها و ایرانی ها . و چنانچه یکی از بازیگران منطقه با این طرح مخالفت کند ، چه بسا به نابودی آن خواهد انجامید .

به مدت هفتاد سال ، ملل متحد، برای احقاق حق ، اسرائیل را محکوم کرده ، اسرائیل از این موضوع باکی ندارد و هیچ کس نیز حاضر نیست تا قانون را عملی کند . امروزه نه تنها وضعیت سیاسی فلسطینی ها وخیم تر شده ، زندگی روزمره آنها نیز به صورت غیر قابل تحملی در آمده .

طرح کاخ سفید از هم اکنون ، میان رهبران منطقه و کشورهای غربی، مشاجراتی ایجاد کرده که باعث بهره برداری دول غربی از این وضعیت شده است . این در حالی است که جمعیت ساکن منطقه ، نسبت به آن نظر مثبتی دارد .

[۱] » [\[L'Initiative de paix arabe présentée par le prince Abdullah bin Abdul-Aziz\]](#) ,« Réseau Voltaire ۲۸ ,mars 2002.

[۲] » [\[Résolution 194 de l'Assemblée générale de l'ONU\]](#) ,« ONU (Assemblée générale , ( Réseau Voltaire ۱۱ ,décembre 1948.

[۳] » [\[Résolution 242 du Conseil de sécurité de l'ONU\]](#) ,« ONU (Conseil de sécurité , (Réseau Voltaire ۲۲ ,novembre 1967.

[۴] » [\[Résolution 338 du Conseil de sécurité de l'ONU\]](#) ,« ONU (Conseil de sécurité , (Réseau Voltaire ۲۲ ,octobre 2003